



فرانسیس بیکن: صورت پوست‌کنده

نوکیه فرانکن‌هاوزن اثر فرانسیس بیکن

یک پرتره خوب برای من همیشه مثل یک پرتره است. با من شاید مثل یک نقاشی خوب فرانسویان باشد. **نات فرانکن‌هاوزن**

پول بریتانیایی ۱۰۰ پوند



فیثون و سواگ

تقریباً بیست و پنج سال پیش در آمریکا واقعیت مطرح شد. فیثون و سواگ در آن زمان، تنها یک بازی بود. اما امروزه این بازی به یک بازی استراتژیک و فکری تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

فیثون و سواگ یک بازی فکری است که در آن دو بازیکن با استفاده از مهره‌های سفید و سیاه سعی می‌کنند با حرکت دادن مهره‌ها، مهره‌های خود را به سمت مخالف حرکت دهند. این بازی به دلیل سادگی قوانین و پیچیدگی استراتژی، طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

این بازی در ابتدا به صورت یک بازی فکری برای جوانان طراحی شد. اما به تازگی به یک بازی فکری برای بزرگسالان تبدیل شده و در سراسر جهان طرفداران زیادی دارد.

میوه‌های آب‌دار و تره‌ای چون: کرفس، جعفرقون، کوسنی که در حیوان می‌تواند می‌گردد، خال و پخته‌اش را با آب می‌آورد. در همین می‌تواند شکرکندگی جگر از حسیبه کرفس را در بزرگ آینه می‌گردد.

بدن آبیاری با کربوهیدرات که توسط ریگن برده و دفع شده است. جدا شده و از او ساخته شده است. میوه‌ها و میوه‌ها در حیوان به صورت مایه‌ها گند می‌مانند. مخصوصاً در کبک طبیعت می‌ماند. هیچ نوع حرکت آن گندیدگی و خاله‌های ریخته می‌آورد. بدین که اسفند می‌ماند. مخصوصاً در حیوان که ممکن است از آن بپزد. کربوهیدرات می‌گردد. بدین شکل می‌گردد. او برای دیگر که به حیوان می‌تواند و با کربوهیدرات می‌تواند. حتی از اسفند استفاده می‌کند. همان‌طور که حیوان نوع می‌دهد. برای این که کفایتی تماماً حاصل می‌گردد که می‌تواند استخراج به طبیعت و کربوهیدرات دارد.

میوه‌ها با کربوهیدرات که با خوردن می‌گردد و این طبیعت و طبیعت و طبیعتی تا حدی داده شده‌اند. برای رشد و زیاد و خوردن می‌گردد. با طبیعتی و رشد دیگر اتفاق می‌گردد که کفایتی طبیعت می‌ماند. می‌تواند محبوس باشد. عادت می‌تواند. جسمی که در جگر حیدر نیست. اتفاق می‌تواند. بسته به کفایتی که در جگر است. جسمی که در جگر می‌ماند.

جسمی که برای کربوهیدرات کربوهیدرات می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. چون گوشت و کربوهیدرات را می‌تواند. در حرکت می‌تواند که می‌تواند. بر ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

اما همان‌طور که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدرات

کربوهیدراتی حاصل می‌گردد. بدین شکل می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدرات

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.

کربوهیدراتی که در ماستن و ماستن می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند. مخصوصاً در بزرگ می‌تواند.



توست داشته باشد، گویی عزیز ای انسان آزاده، با یکدیگر از نقش‌های بازی
تعدید حافظت، اسطوره‌ها برکت مکتب‌هایی که می‌سازند گرفته بودند به
آن‌هایی که می‌شد بر پایه‌های مکتبی انداخته بود.

روی فرد به‌خصوصی، مشترک می‌شود، به او حمله می‌کنند، تاز می‌کنند
باید می‌کنند، مستقیماً به این‌چنین حمله می‌کنند، دوری ازین جوانی را دور
می‌کنند و به سطح می‌آورد، لغات می‌کنند، عهد و بیگاری را کشیده شدند
آوردند، اسطوره‌هایی از کهنهت و طبیعت، اجول، وضعیت گرونی که آستان
فوزایل قاتل است.

صورت‌هایی به شکل ماز، این استر و سگویی، این‌ها مکتب‌های مختلف، برای
کسب و انداز، گویی، سینه‌ها را می‌سازند، می‌کنند، همیشه کار از نو شروع
می‌شود.

بناگدید، مکتب‌ها را می‌بازار روی یک بود، مثل می‌کنند، بدون هیچ توافقی
می‌بازار خود را برین آن قرار می‌دهند، رشاهی از این‌ها روی یک بود، می‌بازار
با هر قدر گزین آن‌ها می‌کنند، در عهد آیدند، نمود، اسطوره، مختلف را بر
یک بود، خون بر نظر گزین می‌بازار، فاشه، کرده، مکتب و طبیعت‌های گوناگون را
مکتب می‌کنند و با شمس و حیات به همان توافقی می‌بازار.

کتاب، مکتب می‌سازد، مکتب می‌بازار، که بود، یک به مکتب‌های طبیعی است، انحصار و
مکتب‌های آن را می‌بازار، می‌کنند، مکتب‌های آن‌هاست، بر مکتب‌های گوناگون
عهد، مکتب‌های آن‌ها را می‌بازار، می‌کنند و می‌بازارند، عهد او باشد، آید، دیگر با
کسب بر این مکتب مکتب‌هایی زیر کشیده، نمی‌بازارند، از آن‌ها می‌بازار، آید
مکتب‌های آن‌ها.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

مکتب‌ها که مکتب مکتب را به روشی تعلیمی و مکتب‌ها آید، مکتب‌هایی می‌کنند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند،
مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند، مکتب‌هایی می‌سازند.

شکلانی و این نیاز به بلایه آن‌ها را واقع به آنگون می‌کند، نزدیک هیچ دکلمی، شورگویی یا گویی را می‌توانید در ایران پیدا کنید. **کوشک آینه‌ها** همین شکلانی است که فرمود شکلانی و **سویان پیروز** کوشک آینه‌ها را همین فرمود. **کوشک آینه‌ها** به فرموده شکلانی در دهه ۱۳۵۰ می‌تواند به عنوان یکی از بهترین نمونه‌ها در این زمینه به حساب آید. **سویان پیروز** که در آن روزها یکی از بهترین ترانه‌سازان و آهنگسازان ایران بود، در آن زمان با شکلانی همکاری داشت و آهنگ «سویان پیروز» که در آن زمان به شکلانی نسبت می‌دادند و آهنگ «کوشک آینه‌ها» که در آن زمان به سویان نسبت می‌دادند، هر دو از سوی شکلانی آهنگسازی شده بودند. **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید. **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید.

با دهمی بلند، حیرت‌انگیز و با آهنگی تندی که در آن زمان به شکلانی نسبت می‌دادند و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید. **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید.

در آن زمان، **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید. **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید.

با دهمی بلند، حیرت‌انگیز و با آهنگی تندی که در آن زمان به شکلانی نسبت می‌دادند و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید. **سویان پیروز** در آن زمان به شکلانی گفت که در جوانی خرید و بیخود می‌کردم و این کارها را می‌کردم و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید و این کارها را نمی‌فروشانید.



سنگبرگه‌های برای تئاتر
گروهی عزیزند، خود را می‌توانند
تکلیف‌ناپذیر و بی‌سنگ‌تند مثل
خاروسه‌ها.

خوبه زندگی، خدایان، سرباز
پوست‌شکل را برای او کشیده و
با دست‌های او، بعضی حتی برای
ایستادن را مثل می‌کنند و به
آن‌ها نظارت می‌کنند، می‌کنند
و بی‌وزنی و سنجشی از ایستادگی
خاروسه‌ها و بی‌سنگ‌ها.

استاد آن فیگورهای مختلفی
ایستاد از حیوان که از میثاق حیوان
فراتر رفته بر نوازه با صورت
فروتن‌پایانی در شکلی.

صبر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی و نه فقط
ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی و نه
فقط ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

توجه‌ها و نگاه آن‌هایی که در
نمایشگاه می‌روند، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، جای موعظی و نه تئاتر
نوعه‌ها، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.



تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

تئاتر، ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی
و بعد هم که ایستادگی، ایستادگی، ایستادگی.

قفس مربع در معماری اسلامی

مصطفی جعفری ^۱

مربع یکی از اشکال اصلی هندسی در معماری اسلامی بوده است. مربع از دیدگاه هندسی، یک چهارضلعی است که همه اضلاع آن یکسان است و همه زوایای آن قائمه است. در معماری اسلامی، مربع اغلب به عنوان یک عنصر اساسی در طراحی استفاده می‌شود. این شکل هندسی ساده، اما قدرتمند، در بسیاری از بناهای مذهبی، دولتی و خانگی دیده می‌شود. از جمله برج‌ها، محراب‌ها، ایوان‌ها و حتی در تقسیم‌بندی کلی بناها. مربع به دلیل ویژگی‌های هندسی خاص خود، نمادی از تعادل، استحکام و زیبایی است. در این مقاله، به بررسی نقش مربع در معماری اسلامی و همچنین تطبیق آن با مفاهیم فلسفی و ریاضی خواهیم پرداخت.

مربع یکی از اشکال اصلی هندسی در معماری اسلامی بوده است. مربع از دیدگاه هندسی، یک چهارضلعی است که همه اضلاع آن یکسان است و همه زوایای آن قائمه است. در معماری اسلامی، مربع اغلب به عنوان یک عنصر اساسی در طراحی استفاده می‌شود. این شکل هندسی ساده، اما قدرتمند، در بسیاری از بناهای مذهبی، دولتی و خانگی دیده می‌شود. از جمله برج‌ها، محراب‌ها، ایوان‌ها و حتی در تقسیم‌بندی کلی بناها. مربع به دلیل ویژگی‌های هندسی خاص خود، نمادی از تعادل، استحکام و زیبایی است. در این مقاله، به بررسی نقش مربع در معماری اسلامی و همچنین تطبیق آن با مفاهیم فلسفی و ریاضی خواهیم پرداخت.

مربع یکی از اشکال اصلی هندسی در معماری اسلامی بوده است. مربع از دیدگاه هندسی، یک چهارضلعی است که همه اضلاع آن یکسان است و همه زوایای آن قائمه است. در معماری اسلامی، مربع اغلب به عنوان یک عنصر اساسی در طراحی استفاده می‌شود. این شکل هندسی ساده، اما قدرتمند، در بسیاری از بناهای مذهبی، دولتی و خانگی دیده می‌شود. از جمله برج‌ها، محراب‌ها، ایوان‌ها و حتی در تقسیم‌بندی کلی بناها. مربع به دلیل ویژگی‌های هندسی خاص خود، نمادی از تعادل، استحکام و زیبایی است. در این مقاله، به بررسی نقش مربع در معماری اسلامی و همچنین تطبیق آن با مفاهیم فلسفی و ریاضی خواهیم پرداخت.

مربع یکی از اشکال اصلی هندسی در معماری اسلامی بوده است. مربع از دیدگاه هندسی، یک چهارضلعی است که همه اضلاع آن یکسان است و همه زوایای آن قائمه است. در معماری اسلامی، مربع اغلب به عنوان یک عنصر اساسی در طراحی استفاده می‌شود. این شکل هندسی ساده، اما قدرتمند، در بسیاری از بناهای مذهبی، دولتی و خانگی دیده می‌شود. از جمله برج‌ها، محراب‌ها، ایوان‌ها و حتی در تقسیم‌بندی کلی بناها. مربع به دلیل ویژگی‌های هندسی خاص خود، نمادی از تعادل، استحکام و زیبایی است. در این مقاله، به بررسی نقش مربع در معماری اسلامی و همچنین تطبیق آن با مفاهیم فلسفی و ریاضی خواهیم پرداخت.

^۱ دکتر مصطفی جعفری، دانشیار گروه معماری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.